برای بازگشت ناوبندر مکران و ناوشکن دنا به ایران
که مرزهای پیشرفت دریایی کشور را جابه‌جا کرد

یک اقیانوس حقیقت امیدبخش

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه بین‌الملل

چند قرن پیش که هنوز ردی از جنگنده‌ها و هواپیماهای غول‌پیکر در آسمان نبود، قدرت بیش از روی زمین، در دریا معنا پیدا می‌کرد. بریتانیا، هلند، پرتغال و فرانسه، با تکیه بر قدرت دریایی آفریقا و آسیا را برای چندین قرن غارت کردند. در چند دهه اخیر و با رشد نیروی هوایی احساس می‌شد از اهمیت نیروی دریایی کاسته خواهد شد. بر همین اساس نیز بسیاری از کشورهایی که حتی به دریاهای آزاد دسترسی داشتند، بیش از دریا، نگاهشان به آسمان و خرید جنگنده‌های به‌روز دنیا بود. این وضعیت دوام چندانی نیافت تا حتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس که هزینه سرسام‌آوری را در حوزه نیروی هوایی داشته‌اند، حالا به دنبال توسعه قدرت در دریاها هستند چراکه نظریه‌پردازان ژئوپلیتیکی معتقدند بدون وجود دریا و قدرت دریایی هر کشوری به‌سرعت به نقطه تمایل برای تسلط دیگران تبدیل خواهد شد. جدای از این دریا مسیر ضروری تجارت، مسافرت، استخراج مواد معدنی و تولید برق است. در حال حاضر حدود ۹۰ درصد تجارت جهانی با کشتی انجام می‌شود و کشورها برای صادرات ایمن و در امان ماندن از دزدان دریایی نیاز به قدرت دریایی دارند. ایران نیز که در جنگ ۸ ساله به اهمیت نیروی دریایی در هر تقابلی پی برده بود توسعه توانمندی دریایی را در اولویت خود قرار داد و یک برنامه کشتی‌سازی بومی برای توسعه نیروی دریایی خود به برای دفاع از خلیج فارس طراحی شد است آغاز کرد. این نیرو در سال‌های بعد با شناور از جمله جوشن توپه کلاس موج، پیشرفته‌ترین کشتی‌های جنگی نیروی دریایی ایران را توسعه داده و به میدان فرستاده است. سفر به دور دنیا دو غول آهنی ۲۲۸ و ۹۵۵ متری یعنی ناوبندر مکران و ناوشکن دنا نیز در همین چهارچوب قابل ارزیابی است. مهرماه سال ۱۴۰۱، نیروی دریایی ایران با هدف نمایش قدرت رو به رشد ایران کره زمین را دور زدند و پس از ۸ ماه روز شنبه ۲۰ اردیبهشت‌ماه در بندرعباس پهلو گرفتند. از منظر تحلیلگران عرصه نظامی سرمایه‌گذاری تهران روی نیروی دریایی‌اش نشان می‌دهد که این نیرو احتمالا به رشد خود و به ماموریت‌هایش ادامه می‌دهد. آنها البته به فاصله ایران با برخی قدرت‌های نظامی دنیا در این حوزه اشاره می‌کنند اما شرحی به آن می‌زنند: «به برنامه‌های موشکی و پهپادهای ایران نگاه کنید. ۱۰ تا ۱۵ سال پیش آنقدرها توسعه نیافته بودند. این می‌تواند درمورد نیروی دریایی آن هم همین‌طور باشد.»

در کنار نمایش اقتدار ایران در آب‌های بین‌المللی اتفاق قابل توجه دیگر در آن سوی خلیج‌فارس، نشست اتحادیه عرب در جده عربستان بود. در این نشست بندی که درباره ادعای مالکیت جزایر سه‌گانه در پیش‌نویس بیانیه پایانی آمده بود در بیانیه پایانی حذف شد. در پیش‌نویس آماده بود که اعضا «به‌شدت بر حاکمیت مطلق امارات عربی متحده بر سه جزیره (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی)» تاکید می‌کنند. اگرچه روی زمین، بیان این موضوع، تاثیری بر اراده ایران درباره جزایرش ندارد اما به‌هرحال این رایانه یک پالس مثبت از سوی اتحادیه عرب تلقی کرد. مجموع این دو رخداد، نمایش اقتدار ایران است. کشورهای عربی که در یک دهه اخیر با ماجراجویی به دنبال اقدام علیه تهران بودند حالا به درک چگونگی تعامل با تهران رسیده‌اند.

ناوگانی که دور زمین چرخید

داستان کریستف کلمب و عبوش از اقیانوس اطلس و کشف قاره آمریکا از مشهورات تاریخی‌ای است که بسیاری با کلیات آن آشنایی دارند. وجود این داستان در ذهن افکار عمومی و همچنین حضور تجارت دریایی در سراسر جهان باعث می‌شود این گونه بیانیه‌ها به‌دلیل مناقشه ماموریت‌ها و مأموریت‌ها در دنیا نیز آسان است. برای توضیح این مساله باید گفت در سراسر زمین مسافرت‌های زیادی انجام می‌شود و مردم روزانه با استفاده از سیستم حمل‌ونقل به سر کار می‌روند، اما این مساله به معنای آسانی و سادگی ترتیب دادن یک عملیات مخفی، ایجاد ارتش یا تشکیل دسته‌های نظامی نیست. این مساله درخصوص دریا نیز صادق است. اگر کریستف کلمب با کشتی به آمریکا رفته، بسیاری قبل و بعد از او در جریان این سفرها جان خود را از دست داده‌اند. در تجارت دریایی نیز این گونه است و سالانه کشتی‌های زیادی در سفرهای معمول طعمه دریا می‌شوند.

با این وجود ماموریت نظامی با سفرهای کم‌مناقشه تجاری یا مسافرتی متفاوت است. در ماموریت‌های نظامی، ناوگان باید به سیستم‌های نظارتی بسیاری دسترسی داشته باشد که هرچند از سوی شرکت‌های بین‌المللی برای سفرهای تجاری در دسترس است، اما در اقدامات نظامی می‌تواند با مشکل مواجه شود. همچنین سیستم‌های نظامی باید پهنه دریا را رصد کرده و ناو همواره آماده مواجهه با زیردریایی‌ها، ناوها و هواگردهای دشمن و احتمال شلیک‌شان به‌سمت خود باشد. این مسائل برای ناوگان نظامی، هرچه از خاک اصلی دورتر می‌شود، مشکل‌تر خواهد شد. با درنظر گرفتن این موارد در ادامه تلاش شده به اهمیت سفر دریایی طولانی ناوگان ۸۶ نیروی دریایی ارتش پرداخته شود.

۱ اراده برای ارتقای جایگاه جهانی

تعداد زیادی از کشورهای جهان، نیروی انسانی، تجهیزات، قدرت مالی و همچنین نیازی به ناوگان دریایی درببرد ندارند. با این وجود کشورهایی که قادر به تامین چنین ناوگانی هستند بیشتر از انگشتان دست می‌شود، اما تعداد کشورهایی که مبادرت به ماموریت‌های دوربرد می‌کنند، کمتر از تعدادی است که قادر به انجام آن هستند.

تعدادی از این کشورها افق دید پایینی داشته و هدفی برای ارتقای جایگاه‌شان ندارند. آنها با اتصال به قدرت‌های بزرگ نقش‌هایی جهانی می‌یابند که وابسته به قدرت مادر است. برخی از کشورها نیز به‌دلیل مناقشه ماموریت‌ها و مأموریت‌های خاص در خشم قدرت‌های جهانی و از ترس خشم آنها، از خیر این دست ماموریت‌ها می‌گذرند.

بر این اساس ایران در رده‌بندی کشورها، ضمن دسترسی به منابع مالی و تجهیزات مناسب، خواهان ارتقای جایگاه خود در جهان است، این ارتقا از طریق اتصال به قدرت‌های دیگر تامین نمی‌کند و نگران خشم آنها نیز نیست.

۲ تضمین تجارت و معیشت ایران

ملتی که در دریا حضور داشته و بر جریان‌های تجاری نظارت می‌کند، قابل حذف و تضعیف در تجارت جهانی به‌شکل حداکثری و خفه‌کننده نیست؛ هدفی که باراک اوباما و دونالد ترامپ روسای جمهور پیشین آمریکا آن را پیگیری می‌کردند. با ماموریت اخیر نیروی دریایی، تهدید کشورهای اروپایی برای استفاده از اهرم اسنپ‌بک جهت بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی دوران اوباما علیه ایران که شامل بازرسی از کشتی‌های تجاری ایران می‌شود، بی‌اثر خواهد شد زیرا هر کشوری که درصدد چنین کاری برآید، خود را در مخمصه‌ای جدی انداخته است.

در همین رابطه سردار حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز پنجشنبه گذشته نسبت اقدامات دشمن علیه تجارت دریایی ایران واکنش نشان داده و تاکید کرده بود: «کسی نمی‌تواند مانع تجارت دریایی ما شود و اگر چنین اتفاقی رخ دهد بقه آنها را در هر کجای جهان خواهیم گرفت.»

۳ اقدام علیه قاچاق و جریان سلاح و مواد مخدر

کشورهای غربی به شکل مستقیم متحدان منطقه‌ای خود را مسلح ساخته و با قاچاق سلاح به شکل غیرمستقیم مبادرت به مسلح‌سازی گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب می‌کنند. این اقدام غیرمستقیم، گاهی به شکل بی‌توجهی آمریکا به عبور و مرور کشتی‌های سلاح گروه‌هایی خاص بروز می‌کنند، مانند آنچه در آفریقا و علیه سودان رخ داده است. ایران با رشد ناوگان و افزایش ماموریت‌های دریایی خود، می‌تواند در محیطی وسیع‌تر دست به نظارت و بازرسی کشتی‌ها برای کشف قاچاق سلاح یا حتی کند ساختن جریان انتقال سلاح به منطقه بزند.

۴ جبران عدم‌تسلط بر جغرافیای خاکی

براساس آنچه در منابع رسانه‌ای آمده است، محور مقاومت برای مسلح‌سازی غزه، کشتی‌های سلاح را به بنادر سودان ارسال کرده و سپس به وسیله کشتی‌ها و قایق‌های کوچک‌تر آنها را از مسیر صحرای سینا به دست مبارزان می‌رسانده است. در این شرایط محور مقاومت نیازمند جغرافیای سودان بوده و کار انتقال سلاح نیز به شکل پنهانی انجام می‌شده تا کشتی‌ها مورد توقیف نشوند. با تقویت ناوگان دریایی ایران، محور مقاومت بدون نیازمندی سابق به زمین، می‌تواند نسبت به تدارک‌رسانی به متحدانش بزند.

۵ لازمه توسعه نفوذ منطقه‌ای فراتر از خیر آسیا

ایران برای نفوذ منطقه‌ای خود در محیط پیرامونی‌اش، به مزها و خطوط ماموراتی خود نیاز دارد. ایران به برتری حمایت از لبنان به سوریه و همچنین حمایت از این کشور در طول بحران، تا حدی وابسته به عراق بود. حمایت از سوریه از مسیر زمینی عراق صورت نمی‌گرفت، اما برای اعزام مستشاران و تجهیزات خاص از حریم هوایی این کشور استفاده می‌شد. نفوذ ایران در منطقه‌ای غیر از غرب آسیا و حتی بخش‌های گوشه‌ای این منطقه، نمی‌تواند به‌صورت زمینی صورت بگیرد. به‌عنوان نمونه یمن در گوشه‌ای از غرب آسیا واقع شده و ایران نه خود با آن مرز مستقیم دارد و نه قادر به یافتن مسیر مواصلاتی زمینی به‌سمت آن است. این مساله برای آفریقا که عده‌ای معتقدند مسیر آتی توسعه نفوذ منطقه‌ای ایران است، بیشتر صادق است. از این رو تهران برای اتصال خود به جغرافیایی که هدف نفوذ است، باید به ناوگانی قدرتمند دسترسی داشته باشد.

۶ در دریای منطقه حتما برتریم

کشورهای منطقه از تفوق قدرت دریایی خود در تجارت جهانی گسترده تجهیزات پیشرفته هستند. این مساله بزنهم برخی می‌تواند توازن نظامی در دریاها را تغییر داده و از نسبت توان ایران در این حوزه بکاهد. با این حال اقدام ایران در توسعه تجهیزات نظامی ساحل پایه مانند موشک‌های ضدکشتی در تعداد بالا موجب می‌شود در خلیج‌فارس و دریای عمان به‌دلیل قدرت آن ساحلی ایران، این مساله به برتری کشورهای دیگر منجر نشود. از سوی دیگر تهران از قایق‌های تندرو نیز بهره می‌گیرد. اقدام ایران به گسترش حوزه عملیاتی خود، تا کیدی بر برتری فرامنطقه‌ای ناوگان بومی ایران است.

۷ لازمه توسعه همکاری‌ها و اتحادها

ایران با ونزوئلا به‌دلیل روابط گسترده قادر به ایجاد ائتلاف است، با این وجود فاصله میان دو کشور تقریبا ۲۰ هزار کیلومتر است. اگر محور ائتلاف میان دو کشور را حوزه نظامی بدانیم، این فاصله سدی بر پشتیبانی نظامی این دو کشور از یکدیگر است. ایران می‌تواند به ونزوئلا تسلیحات بفروشد اما اگر مساله‌ای مانند جنگ میان دو کشور رخ دهد، اما تعداد کشورهایی که درصدد چنین کاری برآید، خود را در مخمصه‌ای جدی انداخته است.

بله، این را من همیشه گفته‌ام که ما با کشورهایی مثل عربستان سعودی اتحاد و شراکت راهبردی نخواهیم داشت اما می‌توانیم تنش‌ها را کاهش داده و امیدوار باشیم که به‌سطحی از تعامل برسیم. اما اینکه خیال کنیم ایران رابطه استراتژیک و راهبردی خواهیم داشت درست نیست. حذف بند مربوط به ادعای حاکمیت امارات بر جزایر سه‌گانه از متن اصلی اعلامیه نیز در فضا اقدامی در راستای کاهش تنش و شکل‌گیری روابط را فراهم‌تر کرد. اما اینکه امیدوار باشیم این تعامل مثبت به شکل‌گیری رابطه‌ای راهبردی یا اعراب برسد، بعید می‌دانم.

معمولا در نظام بین‌الملل این گونه تعریف شده که این اختلافات و تعارض منافع دولت‌ها است که باعث تنش می‌شود؛ راه کنترل تنش نیز حل اختلافات است. اما در ماجرای بیانیه سران کشورهای عربی با معکوس این فرایند را شاهد بودیم و این رفع تنش و اختلاف با کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی بود که باعث شده ادعاهای مرزی نیز کمتر بروز پیدا کند. این اتفاقی که رخ داد نشان می‌دهد که گاهی اختلافات و تعارضات منافع نه تنها عامل ایجاد تنش نبوده بلکه نتیجه‌ای است که به‌عبارا ایجاد تنش بروز داده شده تا بهانه امتیاز گیری و ایجاد فشار را فراهم آورد؟ چنین برداشتی را چقدر قبول دارید؟

یکی از انتقادات‌تی که به ناوگان نظامی آمریکا وارد می‌شود این است که با تجهیزاتی بسیار بزرگ و پیشرفته، کیلومترها دورتر از مرزهای خود به زیرانودری می‌پردازد. آیا چنین انتقادی را به سفر دور دنیای ناوگان دریایی ایران نمی‌توان وارد دانست؟

این تلهسوروری آنچه‌است به ماست که آنها را آسیب‌پذیر می‌کند و اگر الخلیج‌فارس یک آرام‌ترین المللی است و آنها نیز می‌توانند حضور پیدا کنند. اما اینکه آنها نسبت به اهداف غرض ورزانه دارند و رفتارهای غیرمسئولانه بروز می‌دهند باعث می‌شود به هنگام تنش آسیب‌پذیر باشند و الا حضور در آبراه‌های بین‌المللی حتما برای هر کشوری قدرت‌آفرینی می‌کند. ما نیز می‌توانیم از طریق ناوگان دریایی‌مان بر کشورهای دیگر تاثیرگذاریم. زمانی که انگلستان ۴ سال پیش در تنگه جبل‌الطارق نفتکش ما را توقیف کرد ما در خلیج‌فارس این کار را انجام داده و توانستیم به نوعی از موازنه برسیم اما شاید روزگاری برسد که ما در آبراه‌های مهم دنیا بتوانیم برای دفاع از حق خودمان اقدام کنیم. شاید روزی در تنگه باب‌المندب این کار را انجام دهیم و دست خودمان را برای تعقیب منافع ملی‌مان باز نگه‌داریم. ناوگروه A۸۶ به اعتقاد من طلیعه آغاز چنین حرکتی بود. زمانی که یک ناوگروه به چنین سفری می‌رود در واقع در حال تجربه‌اندوزی است و مقدمات را برای بروز و نفوذ بیشتر فراهم می‌کند. این امر باعث خواهد شد نیروی دریایی ارتش ایران با اعتماد به نفس بیشتری بحث توسعه و گسترش کیفی و کمی شناورهای خود را دنبال کند.

چه عواملی باعث شد تا قدرت‌های غربی در مسیر حرکت ناوگان ایرانی نتوانند مانع تراشی کرده و آن را حرکت بازدارند؟

از لحاظ قانونی آنها توجیهی برای این اقدام نداشتند و در بیان نیز نفتکش‌های ما به‌طور غیرقانونی توقیف شد که پاسخ قاطع این باعث رفع توقیف آن شد. اگر آمریکا می‌خواست شناورهای ایران را توقیف کرده یا به آن صدمه بزند، حب شناورهای خودش در خلیج‌فارس حتما صدمه می‌دیدند. این نوعی از توازن قدرت در برابر آمریکاست که ما در آن رسیده‌ایم. این یک واقعیت انکارناپذیر است. ما شناوری را که حامل نفت آمریکا بود توقیف کرده‌ایم و نشان می‌دهد ما به یک نوعی از توازن جهت این اقدام طلیعه یک حرکت بزرگ محسوب می‌شود. پیام سیاسی بسیار مهمی را می‌رساند. این پیام این است که جمهوری اسلامی ایران یک قدرت دریایی است و به سطحی از توانایی رسیده که فراتر از خلیج‌فارس و دریای عمان نیز قدرت دریانوردی داشته و می‌تواند منافع ایران را تامین کند. ما در آینده به سمت ساخت و خرید شناورهای دریایی بزرگ حرکت می‌کنیم. توان دریایی خود را گسترش می‌دهیم. از این جهت این اقدام طلیعه یک حرکت بزرگ محسوب می‌شود. پیام سیاسی بسیار مهمی را قابلیت‌های نیروی دریایی ارتش در آبراه‌ها و مسیرهای مهم انتقال انرژی به‌خصوص در اقیانوس هند که در حال حاضر ۶۰ تا ۷۰ درصد تجارت جهانی از طریق آن انجام آمریکا به عبور و مرور کشتی‌های سلاح گروه‌هایی خاص بروز می‌کنند، مانند آنچه در آفریقا و علیه سودان رخ داده است. ایران با رشد ناوگان و افزایش ماموریت‌های دریایی خود، می‌تواند در محیطی وسیع‌تر دست به نظارت و بازرسی کشتی‌ها برای کشف قاچاق سلاح یا حتی کند ساختن جریان انتقال سلاح به منطقه بزند.

ادامه از صفحه ۲

رهبران واشنگتن این امکان را داده است که قدرت آمریکا را در بیشتر نقاط زمین، در زمان جنگ و صلح، نشان دهند. با این حال برخی کارشناسان بر این باورند که نیروی دریایی بر سر دوراهی قرار دارد و با مجموعه‌ای از چالش‌های تاریخی، از فشار بودجه گرفته تا نوسازی نیروی دریایی چین، مواجه است که می‌تواند به‌زودی برتری آن را از بین ببرد. در سال‌های گذشته نیروی دریایی چین، به دستور شی جین پینگ، تحت برنامه نوسازی و توسعه قرار گرفته است. وزارت دفاع آمریکا مدعی است که نیروی دریایی پکن تا سال ۲۰۲۵ به ۴۰۰ کشتی افزایش می‌یابد. هدف نیروی دریایی چین این است که تا سال ۲۰۳۵ شش گروه تهاجمی ناوهواپیمابردار داشته باشد. این تعداد ناو هواپیمابر به چین اجازه می‌دهد سطوحی از قدرت رزمی بی‌سابقه در تاریخ خود را در هر کجا که بخواهد ارائه دهد. ناوهای هواپیمابر به‌تنهایی عمل نمی‌کنند و هسته ناوگانی را تشکیل می‌دهند که ناو را احاطه کرده و از این پایگاه هوایی متحرک محافظت می‌کند و درعین حال مقادیر عظیمی از قدرت نظامی را نیز به‌همراه دارد که می‌تواند اهدافی را در اقیانوس یا صدها کیلومتر در داخل خاک کشور هدف ویران کند.

ایران هم برای گسترگی پاسخ به تهدیدات و ایجاد بازدارندگی توسعه توانمندی‌های دریایی را در دستور کار قرار داده است. ناوهای پهپادبر در حال ساخت شهیدمهدی و شهیدباقری قرار است در هر تقابلی، دشمن را از دریا مورد هدف قرار دهند. سردار دریادار پاسدار تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران مهرماه گذشته درباره ناوپهپادبر شهیدباقری گفته بود: «شناور شهیدباقری علاوه‌بر داشتن یک ناوگروه در داخل خود، باند پرواز هم دارد که پهپاد می‌تواند از روی آن حرکت کرده و به پرواز درآید و در بازگشت هم می‌تواند روی آن بنشیند.» شناور شهیدباقری مجهز به بالگرد، موشک و پهپاد است و به‌گونه‌ای طراحی شده است که یک باند پروازی با گنجایش ۶۰ فروند پهپاد روی عرشه آن قرار می‌گیرد. تجهیز شناورهای ایران به ۶۰ پهپاد تهاجمی درحالی که برخی کشورها، صرفا به ۱۰ تا ۲۰ پهپاد تامین‌شده از منابع خارجی وابسته هستند، نشان می‌دهد ناوگان دریایی ایران قصد دارد به قدرت نظارت و آتش برتری دست پیدا کند.

۹ تنظیم روابط ایران- اتحادیه عرب به‌وقت جزایر سه‌گانه

سی‌ودومین نشست سران کشورهای عضو اتحادیه عرب، حداقل در دو موضوع مهم‌تر بود؛ یکی پایان غیبت بیش از یک‌دهه‌ای بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه در این نشست و دومی بیانیه پایانی آن. با وجود اینکه در پیش‌نویس بیانیه به ادعای تکراری امارات‌ای درباره جزایر سه‌گانه خودنمایی می‌کرد، این ادعا در بیانیه پایانی جایی نداشت. اگرچه سران عرب سال گذشته در نشست الجزایر نیز به موضوع جزایر سه‌گانه اشاره‌ای نداشتند اما حذف این موضوع از پیش‌نویس دوازدهم ایران و قابلیت امارات برای ایجاد زیادی نیرو و تهدید، یک نقطه تمام‌برای پشتیبانی و همکاری با کشورها در خارج از منطقه است.

۹ حضور پررنگ‌تر در دریا

در بین کشورها، قدرتمندترین نیروی دریایی متعلق به آمریکاست. برای چندین دهه، اندازه و پیچیدگی این نیرو به عربی متحده بر سه جزیره آن (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) تاکید می‌کنند، نگاشته شده بود اما در ادامه به‌دلیل نیازمندی بیانیه به رضایت تمام هیات‌های حاضر در نشست حذف شد. با وجود این در قطعنامه‌های صادرشده در جریان این نشست که به ابتکار و رضایت کشور میزبان تهیه می‌شوند، موضوع جزایر مطرح شده بود؛ موضوعی که نشان‌دهنده اصرار سعودی‌ها بر تداوم معضل جزایر سه‌گانه است.

عربستان‌سعودی حتی در جریان فرآیند بهبود روابط خود با شرق و ایران بر این مساله تاکید کرده بود. در سفر آذر سال گذشته شی جینگ پینگ، رئیس‌جمهور چین به عربستان‌سعودی که در خلال آن نشستی مشترک با حضور سران کشورهای اتحادیه عرب نیز برگزار شد، مساله جزایر سه‌گانه با تفاوت‌هایی در بیانیه پایانی این نشست منتشر شد که نشانگر اصرار سعودی‌ها به کش یافتن معضل و تلاش چینی‌ها برای کاستن از سطح آن بود.

در این بیانیه مشترک با چین برخلاف بیانیه‌های مشابه قبلی که جزایر سه‌گانه به‌صراحت متعلق به امارات دانسته شده بودند، از ایران و امارات خواسته بود اختلافات را از مسیر گفت‌وگو حل کنند؛ عقب‌نشینی آشکاری که نشانگر تلاش چین برای کاستن از چنین معضل در روابط منطقه‌ای بود.

با وجود شواهدی از وجود بند مربوط به جزایر سه‌گانه در پیش‌نویس اولیه نشست اردیبهشت ۱۴۰۲ و تاکید بر آن در قطعنامه‌های صادر شده و همچنین اصرار چینی‌ها به عربستان برای تعدیل موضع‌شان در نشست آذر ۱۴۰۱ می‌توان با قاطعیت از دیدگاه‌ورزی سعودی‌ها از تنش با ایران صحبت کرد. سوال اینجاست که چه کشور یا کشورهایی خواستار حذف بند مربوط به جزایر سه‌گانه شده‌اند؟

۲ گل بشار اسد در آخرین دقیقه

نخستین پاسخ سوال مطرح‌شده، سوریه است. بشار اسد که حضورش پس از ۱۲ سال اخراج از اتحادیه عرب مهم‌ترین اتفاق نشست اردیبهشت‌ماه بود، به میزانی اهمیت داشت که خشم آمریکایی‌ها را برنیز کرد و سعودی‌ها را وادار‌اشت برای کاستن آن، ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور جنجالی اوکراین را به‌شکل غیرمنتظره‌ای به جده دعوت کنند. ریاض همچنین تمایل داشت حضور زلنسکی از لحاظ رسانه‌ای نیز اندکی از وجاهت بشار اسد بکاهد. با این‌حال که اسد در مارانتی ۱۲ ساله با کمک ایران بر جبهه مشترک اعراب و متحدانش فائق آمده بود، در آخرین دقایق نشست، گل پیروزی را وارد دروازه سعودی‌ها کرد. با این‌حال سوال مهم‌تری وجود دارد. اهمیت این اقدام چیست؟

۳ جزایر سه‌گانه؛ پیشانی تقابل

جزایر سه‌گانه پیشانی التهابات میان ایران و اعراب به‌شمار می‌رود. این مساله با کمک ایران بر جبهه مشترک سعودی‌ها و همواره در روابط دو مجموعه جریان داشته و مورد اجماع اتحادیه عرب بوده است. برای فهم این اجماع می‌توان به مواضع گذشته سوریه در این خصوص اشاره کرد.

سوریه در جریان حمله رژیم صدام به ایران، درحالی که اجماع عربی بر آنتی بعث‌ها قرار داشت، علیه او با ایران متحد شد. با این‌حال دمشق در قضیه جزایر سه‌گانه همچنان به موضع یکپارچه اعراب تاکید داشت. بشار اسد در یکی از مصاحبه‌های خود در سال ۱۳۸۷ -دوسال پیش از بحران سوریه در سال ۱۳۸۹- در مصاحبه با روزنامه اماراتی الخلیج امارات درباره جزایر سه‌گانه گفته بود: «ما طرف امارات هستیم و از موضع این کشور که لزوم دست یافتن به راه‌حلی مسالمت‌آمیز را مورد تاکید قرار می‌دهد، حمایت می‌کنیم.» خطی که رئیس‌جمهور سوریه در این مصاحبه و در روابط کلی‌اش با اعراب پیگیری می‌کرد، تلاشی بود بر خائن دیده نشدن سوریه. با این حال نظر وی در همان برهه با بدنه اصلی اتحادیه عرب متفاوت بود و علی‌رغم تاکید آنها بر اماراتی بودن جزایر، وی از مذاکره حمایت می‌کرد. او در بخشی از همان مصاحبه گفته بود: «سوریه می‌تواند از روابط خوب خود با ایران، امارات و سایر کشورهای عربی برای برطرف کردن اختلافات و سوءتفاهم‌های کنونی استفاده کند.»

موضع‌گیری‌های سوریه و حتی عراق درخصوص جزایر سه‌گانه که طی چند دهه اخیر متحدان ایران بوده‌اند، مشخص می‌کند این پرونده، اهمیت بالایی در اتحادیه عرب دارد و تحول رخ داده در سی‌ودومین نشست سران، تحولی بی‌سابقه در این خصوص است.

این اجماع در سطحی است که حتی گفته می‌شود سوریه‌ای نیز برای مدت‌ها پای آن را امضا کرده است. سوری‌ها درطول جنگ ایران با رژیم صدام درحالی که اجماع عربی بر حمایت از صدام بود، برخلاف آنها به حمایت از ایران پرداختند اما بنا به دلایلی برای حفظ ارتباط با اعراب، درخصوص ادعاها پیرامون جزایر سه‌گانه همراهی نشان می‌دادند. از این رو شکسته شدن اجماع درباره جزایر سه‌گانه تحولی مهم در جهان عرب و نشانگر آغاز گردش از مواضع تهاجمی پیشین است؛ هرچند این گردش در ابتدای مسیر خود قرار دارد.

۴ بروز سیاسی محور مقاومت در جهان عرب

پیش از آنکه عربستان‌سعودی به قدرت برتر در جهان عرب تبدیل شود، در زمان مانور مصر و عراق در این جهان، آنها نیز مواضعی ضد ایران اتخاذ می‌کردند. با این حال در یک دهه اخیر با بروز نبردهای منطقه‌ای، تحولی جدی روی داده است. ایجاد محور مقاومت در منطقه ضدغرب، باعث شده عربستان به‌عنوان تنها قدرت برتر باقی‌مانده در میان اعراب، به حاشیه برود. این کشور در مرزهای شمالی خود با ایران و عراق و در جنوب با ایران درگیر است. این محاصره به ریاض اجازه بازیگری مناسب در جهان عرب را نمی‌دهد، چه اینکه برای چندسال این کشور صحبا میلیارد دلار برای جنگ با یمن هزینه کرده و از لحاظ وجهه نیز با قرار گرفتن زیر حملات موشکی و پهپادی، با زیان مواجه شده است.

این اتفاقات ازجمله حمله به آرامکو در سال ۱۳۹۸ باعث شد سعودی‌ها برای مدیریت روابط خود با ایران به‌دنبال میانجی‌گری شرقی باشند که چین این نقش را برعهده گرفت. نتیجه این فرآیند که با حضور میانجی‌گری منطقه‌ای مانند عزای و عمان هم‌راه بود، محور به توافق ژئوسیاسی روابط میان دو کشور در اسفند ۱۴۰۱ شد، در پیامدش باعث گشایش سیاسی در حضور رسمی اعضای محور مقاومت در صحنه جهان عرب شد. این محور با حذف بند مربوط به جزایر سه‌گانه در بیانیه پایانی، بروز سیاسی خود را در اتحادیه عرب به نمایش گذاشت.

بیانیه جده نشان داد، این دولت‌های عربی بودند که به سمت ایران و سوریه بازگشتند نه برعکس

سیدعبدالامیر موسوی، کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تاکید کرد

به‌منظور بررسی شرایط حال حاضر کشورهای منطقه و روند رو به بهبود روابط دولت‌های عربی با ایران و سوریه، همچنین ارزیابی مولفه‌هایی که باعث شد سران اتحادیه عرب از تداوم لفاظی علیه تهران صرف نظر کنند، با سیدعبدالامیر موسوی، کارشناس مسائل منطقه گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

///

اصلی‌ترین پیام‌های اقدام اخیر سران اتحادیه عرب در پرهیز از لفاظی علیه ایران در بیانیه پایانی و همچنین دعوت از رئیس جمهور سوریه به آن هم بعد از ۱۲ سال دشمنی و بازیدن با جریان مقاومت را چه می‌دانید؟

در سال ۲۰۱۱ و حدود چهار ماه بعد از آشوب‌هایی که در سوریه به‌راه افتاد، وزرای خارجه اتحادیه عرب در نشست قاهره بیانیه‌ای صادر کردند و عضویت سوریه در همه موسسات و ارگان‌های این اتحادیه معلق شد. سپس از همه کشورهای عربی خواستند که رابطه خود را با سوریه قطع کرده و سفارت‌خانه‌هایشان در دمشق را تعطیل کنند. البته این را هم گفتند که هر کشوری می‌تواند طبق سیاست‌های خودش اقدام کند. تقریبا همه کشورهای عربی غیر از سه کشور (عراق، یمن و الجزایر) با سوریه قطع رابطه کردند. فکر می‌کنم سودان هم قطع رابطه کرد. بعد از قطع رابطه، به پشتیبانی از مخالفان و نماینده مخالفان پرداختند و جایگاه سوریه در این اجلاسیه را هم در اختیار مخالفان قرار دادند و برچم آنها را روی میز گذاشتند. برای سوریه چند شرط تعیین کردند و گفتند اگر دولت بشار اسد این چند شرط را اجرا کرد می‌تواند به اتحادیه برگردد.

امروز اما بعد از حدود ۱۲ سال شاهد این هستیم که سوریه با اتفاق و بدون اجرای هیچ کدام از شرط‌های اتحادیه عرب به این نشست برگشت و کشورهایی که با سوریه درافتاده بودند شکست سختی خوردند. وضعیت مخالفان را هم که دارید می‌بینید. آنها حیلی تلاش کردند، سوریه را از ایران جدا کرده و به آغوش کشورهای مرتجع عرب بفرستند و با رژیم صهیونیستی سازش کنند و درنهایت شرایطی را فراهم کنند که تورورست‌ها بتوانند در این کشور حاکمیتی داشته باشند. هیچ کدام آنها عملی نشد. سوریه مقاومت کرد که پاسخ قاطع ایران باعث رفع توقیف آن شد. اگر آمریکا می‌خواست شناورهای ایران را توقیف کرده یا به آن صدمه بزند، حب شناورهای خودش در خلیج‌فارس حتما صدمه می‌دیدند. این نوعی از توازن قدرت در برابر آمریکاست که ما در آن رسیده‌ایم. این یک واقعیت انکارناپذیر است. ما شناوری را که حامل نفت آمریکا بود توقیف کرده‌ایم و نشان می‌دهد ما به یک نوعی از توازن رسیده‌ایم. آمریکا نه به لحاظ عملیاتی چنین توانی دارد چراکه می‌داند با واکنش متقابل ایران مواجه می‌شود و نه زیرساخت حقوقی برای توقیف شناورهای ایرانی، آسیب‌زننده‌اند. ایران هم برای ما یک فرصت بزرگ برای تاثیرگذاری در معادلات جهانی را فراهم می‌کند.

///

یکی از انتقادات‌تی که به ناوگان نظامی آمریکا وارد می‌شود این است که با تجهیزاتی بسیار بزرگ و پیشرفته، کیلومترها دورتر از مرزهای خود به زیرانودری می‌پردازد. آیا چنین انتقادی را به سفر دور دنیای ناوگان دریایی ایران نمی‌توان وارد دانست؟

این تلهسوروری آنچه‌است به ماست که آنها را آسیب‌پذیر می‌کند و الخلیج‌فارس یک آرام‌ترین المللی است و آنها نیز می‌توانند حضور پیدا کنند. اما اینکه آنها نسبت به اهداف غرض ورزانه دارند و رفتارهای غیرمسئولانه بروز می‌دهند باعث می‌شود به هنگام تنش آسیب‌پذیر باشند و الا حضور در آبراه‌های بین‌المللی حتما برای هر کشوری قدرت‌آفرینی می‌کند. ما نیز می‌توانیم از طریق ناوگان دریایی‌مان بر کشورهای دیگر تاثیرگذاریم. زمانی که انگلستان ۴ سال پیش در تنگه جبل‌الطارق نفتکش ما را توقیف کرد ما در خلیج‌فارس این کار را انجام داده و توانستیم به نوعی از موازنه برسیم اما شاید روزگاری برسد که ما در آبراه‌های مهم دنیا بتوانیم برای دفاع از حق خودمان اقدام کنیم. شاید روزی در تنگه باب‌المندب این کار را انجام دهیم و دست خودمان را برای تعقیب منافع ملی‌مان باز نگه‌داریم. ناوگروه A۸۶ به اعتقاد من طلیعه آغاز چنین حرکتی بود. زمانی که یک ناوگروه به چنین سفری می‌رود در واقع در حال تجربه‌اندوزی است و مقدمات را برای بروز و نفوذ بیشتر فراهم می‌کند. این امر باعث خواهد شد نیروی دریایی ارتش ایران با اعتماد به نفس بیشتری بحث توسعه و گسترش کیفی و کمی شناورهای خود را دنبال کند.

چه عواملی باعث شد تا قدرت‌های غربی در مسیر حرکت ناوگان ایرانی نتوانند مانع تراشی کرده و آن را حرکت بازدارند؟

از لحاظ قانونی آنها توجیهی برای این اقدام نداشتند و در بیان نیز نفتکش‌های ما به‌طور غیرقانونی توقیف شد که پاسخ قاطع ایران باعث رفع توقیف آن شد. اگر آمریکا می‌خواست شناورهای ایران را توقیف کرده یا به آن صدمه بزند، حب شناورهای خودش در خلیج‌فارس حتما صدمه می‌دیدند. این نوعی از توازن قدرت در برابر آمریکا